

مسئولیت مدنی سبب مجمل تیم پزشکی در حقوق ایران و انگلستان^۱

علی روانان *

سیدمهدی میرداداشی **

محمد صادقی ***

ابراهیم دلشاد معارف ****

چکیده

سبب مجمل تیم پزشکی یکی از دشوارترین مسائل فقهی و حقوقی است و رابطه سببیت اهمیت زیادی دارد و در نظام‌های حقوقی پاسخی روشن و منطبق با واقع برای آن نداریم. در حقوق ایران به اصول عملی تخییر، پرداخت بیت‌المال، قاعده قرعه، قاعده عدل و انصاف و توزیع مسئولیت و در حقوق انگلستان به نظریاتی همچون قاعده همه یا هیچ و مشارکت مادی، خطر ایجاد و صدمه، سببیت همزمان و نظریه مسئولیت گسترده بنگاه توجه شده است. سبب مجمل در حقوق انگلستان از نوع مسئولیت متناسب بوده و جنبه اثباتی موضوع اهمیت بسزایی دارد و به نسبت درجه تقصیر تقسیم می‌گردد و در حقوق ایران با لحاظ وجود خلاء قانونی در این خصوص در قوانین مدنی و مسئولیت مدنی قانونگذار با استفاده از حقوق اسلامی و نیز تجربیات حقوق عرفی مبادرت به وضع قوانین با اصول ذاتی و عرضی قانون نماید تا تکلیف محاکم روشن و حقوق جامعه تأمین گردد.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت مدنی، سبب مجمل، جبران خسارت، حقوق انگلیس، تقصیر.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۲۵

* دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

** استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

Mirdadashim@yahoo.com

*** استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه حضرت معصومه (ع)، قم، ایران m.sadeghi@hmu.ac.ir

**** استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۱- مقدمه

مسئولیت مدنی یا از نوع مسئولیت مبتنی بر تقصیر است و یا مسئولیت بدون تقصیر. در حقوق انگلستان مسئولیتی که از عمد و بی‌احتیاطی ناشی شده باشد، تحت عنوان مسئولیت مبتنی بر تقصیر^۱ بررسی می‌گردد. مسئولیت بدون تقصیر نیز در مواردی مطرح می‌شود که صرف ورود زیان، موجب مسئولیت می‌شود، صرف نظر از اینکه عمل وارد کننده زیان، عمدی یا ناشی از بی‌احتیاطی باشد. لازم به ذکر است که مصادیق این نوع مسئولیت در حقوق مسئولیت مدنی محدود است (Cooke, 2010, p.12).

یکی از موضوعاتی که در رکن سوم مسئولیت مدنی (رابطه سببیت) مطرح می‌شود، مسئولیت مدنی سبب مجمل تیم پزشکی است که در آن چند پزشک به طور مستقل اما همزمان، اعمال مشابهی انجام می‌دهند که در نتیجه عمل یکی از پزشکان که به طور مشخص و یقین قابل تعیین نیست، ضرری به بیمار وارد می‌شود و بیمار زیان دیده تنها می‌تواند اثبات کند که پزشک واردکننده زیان در میان گروهی معین از پزشکان است. این موارد مسئولیت مدنی و جبران خسارت زیان دیده محل بحث و اختلاف است. برای تعیین مسؤول جبران خسارت‌ها در این گونه موارد، روش‌های مختلفی از جمله؛ تخییر قاضی، تعیین مسؤول به‌وسیله قرعه، جبران خسارت از بیت‌المال، تساوی مسئولیت پیشنهاد شده که در این پژوهش به مطالعه و بررسی هریک از این نظرات، پرداخته شده است.

۲- مبانی مسئولیت مدنی سبب مجمل تیم پزشکی**۲-۱- اماره مسئولیت**

منظور از اماره مسئولیت آن است که با لحاظ این واقعیت که قطعاً یکی از اعضای تیم پزشکی باعث حادثه زیانبار بوده و رابطه سببیت هم ثابت شده است، در واقع هر یک از اسباب مجمل با دخالت در تیم پزشکی که زیان، منتسب به یکی از اعضای آن است امکان احراز رابطه سببیت را تضعیف کرده است؛ لذا با قراردادن بخشی از بار اثبات بر عهده خواندگان این امکان وجود دارد که هر یک از آنان بتواند خلاف فرض سبب‌بودن خود را ثابت کند و از مسئولیت معاف شود و اگر هم نتواند ثابت کند به عنوان مسؤول شناخته خواهد شد. بدین ترتیب بار اثبات بر دوش خواندگان گذاشته می‌شود؛ بدین دلیل که احتمال معقول

1 . Liability Based-Fault

درباره اقدام هر یک وجود دارد. این علم اجمالی که در اینجا وجود دارد و معتبر هم است را نباید نادیده گرفت. بنابراین هرکدام از اعضای تیم پزشکی مسؤول می‌باشند مگر اینکه خلاف آن ثابت شود؛ بدین معنی که هر یک از خواندگان (اعضای تیم پزشکی) بتوانند دلیل عدم دخالت خویش را در وقوع زیان و خسارت ثابت کند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۴۴۵). از حیث نتیجه، این نظریه قابل توجه است؛ زیرا از یک طرف زیان‌دیده را از اثبات امری مشکل یا ناممکن رها می‌کند و از طرف دیگر به خواندگان دعوا این امکان و فرصت را می‌دهد که بتوانند عدم مسؤولیت خود را ثابت کنند.

اما با این وجود باید گفت این اماره نه جنبه قانونی دارد و نه جنبه قضایی و نمی‌تواند دلیل معتبری برای جبران خسارت باشد؛ زیرا امکان مسؤولیت همه اعضاء وجود دارد و امکان قانونی برای اقامه دلیل مخالف وجود ندارد. ضمن اینکه در این نظریه با نوعی دور مواجه هستیم زیرا از یک سو اماره مسؤولیت را قبول می‌کنیم تا بار اثبات دعوی به طور منصفانه میان خواندگان توزیع شود و از سوی دیگر توزیع منصفانه را امری وجدانی و ضروری می‌دانیم تا بتوانیم اعتبار اماره مسؤولیت را ثابت کنیم (صفری، ۱۳۷۹، ۴۹-۷۷).

۲-۲- تقصیر گروهی

یکی دیگر از نظریه‌هایی که در باب مسؤولیت مدنی سبب مجمل تیم پزشکی بیان می‌شود نظریه تقصیر گروهی است. به این معنا که پزشکانی که سبب در میان آنها است همگی مرتکب خطای مشترک شده‌اند و از جهت ارتکاب این خطا مسؤول جبران خسارت می‌باشند. رویه قضایی فرانسه شرکت در گروهی که خطا در آن رخ داده است، مانند شکار جمعی را در حکم ارتکاب خطای مشترک دانسته است و براساس همین مبنا حکم موردی را اعمال می‌کند که چند تن به اشتراک تقصیری را مرتکب شده‌اند؛ زیرا همه افراد جمع، محیط خطرناکی را به وجود آورده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۴۴۴).

در مورد تیم پزشکی، تقصیر گروهی اینگونه به وجود می‌آید که به عنوان مثال راه‌حل اشتباهی را برای درمان یا جراحی بیمار در پیش گیرند که تقصیر جمعی را به وجود آورد و محیط خطرناک را به وجود آورده است و می‌تواند مبنای معقولی باشد که همه افراد گروه از این جهت مسؤول باشند. همچنین است در موردی که کودکان به بازی خطرناک و ممنوعی مثل ترقه‌بازی و تیراندازی دست زده‌اند؛ چرا که خطا میان همه گروه مشترک است و محیط خطرناک هم محصول همین خطا می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۴۴۵).

لازم به ذکر است که این نظریه نیز از انتقاد مصون نبوده است؛ زیرا در بسیاری از موارد تقصیری ارتکاب نیافته است و لزوم وجود تقصیر برای تمسک به این نظریه کار را برای زیان‌دیده دشوار می‌کند. (محسنی، ۱۳۸۹، ۲۲۹). بنابراین این راه حل هم بی‌عیب نیست؛ زیرا سبب می‌شود جمعی بی‌گناه مسؤول قرار گیرند؛ لذا باید بررسی کرد که کدام راه حل به عدالت نزدیک‌تر است و مفسده کمتری را به دنبال دارد. این نظراتی که به منظور جبران ضرر ناروا بیان شد تکیه‌گاه مناسب برای طرفداران نظریه تضمین حق می‌باشد که سهم تقصیر و کیفر دادن مرتکب را رها کرده و می‌کوشند مبنای مسؤولیت مدنی را تضمین حق مورد حمایت معرفی کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۴۴۵). گاهی تضمین حق مورد حمایت ایجاب می‌کند که اشخاص متعددی که سبب حادثه نبوده‌اند مسؤول خسارت ناشی از آن شوند. همانطور که در مورد تلف مال مغضوب، همه غاصبان در برابر مالک مسؤول جبران خسارت می‌باشند، هرچند که هیچ دخالتی در تلف هم نداشته باشند مستند به ماده‌ی ۳۱۷ قانون مدنی.^۱

بنابراین نمی‌توان منکر وجود مسؤولیت گروهی در کشورمان شد اما برای استفاده از هر کدام از این نظریه‌ها باید به زمینه‌های موجود در نظام حقوقی خودمان توجه کرد. همان‌گونه که بیان شد اصل در مسؤولیت مدنی ما، مستند به ماده‌ی ۱ قانون مسؤولیت مدنی مسؤولیت مبتنی بر تقصیر است.^۲ یعنی مبنا را تقصیر قرار داده‌اند. در مسأله مورد بررسی به نظر می‌رسد که مبنای تقصیر مشترک وجود دارد و استناد به آن هم مشکلی ندارد.

در مسأله مسؤولیت مدنی تیم پزشکی فرض این است که تمام ارکان واقع شده است؛ یعنی فعل زیانبار از طرف یکی از افراد در این جمع با تمام شرایطی که برای فعل زیانبار بیان شد، واقع شده است. پس تنها بخشی که در خصوص ارکان مسؤولیت مدنی باقی است بحث رابطه سببیت است.

همان‌گونه که می‌دانیم صرف انجام عمل توسط مدعی علیه (اعم از آنکه همراه با تقصیر بوده باشد یا خیر) و نیز ورود خسارت به زیان‌دیده نمی‌تواند مرتکب عمل را مسؤول جبران خسارت بگرداند؛ زیرا ضروری است که برای اثبات مسؤولیت مدعی علیه احراز شود که خسارت از عمل آن شخص ناشی شده و

۱. ماده‌ی ۳۱۷ بیان می‌کند: «مالک می‌تواند عین و در صورت تلف شدن مثل یا قیمت تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از غاصب اولی یا از هر یک از غاصبین بعدی که بخواهد طلب کند».

۲. ماده‌ی ۱ بیان می‌کند: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

در اصطلاح فقها مستند به فعل مرتکب باشد چه بسا که پس از عمل خواننده وقایع دیگری رخ داده است که عرف ورود ضرر را به تمام یا برخی از آنها منتسب می‌گرداند (بجنوردی، ۱۳۷۷، ۳۶).

۳- شروط مسؤولیت مدنی سبب مجمل تیم پزشکی

۳-۱- حقوق ایران

ابتدا به بررسی شروط مسؤولیت مدنی سبب مجمل تیم پزشکی در حقوق ایران خواهیم پرداخت.

۳-۱-۱- وجود علم اجمالی

اولین امری که برای تحقق مسؤولیت مدنی سبب مجمل تیم پزشکی شرط می‌باشد، وجود علم است. باتوجه به اینکه ترکیبی از علم به ورود زیان و مردد بودن عامل زیان در میان جمع وجود دارد، این علم، علم اجمالی نامیده می‌شود. علم اجمالی، علم به جامع با شک‌هایی به تعداد اطراف آن علم است و هر شکی نشان‌دهنده احتمالی از احتمالات انطباق جامع است و در مقابل علم تفصیلی به معنای علمی است که آمیخته با تردید و ابهام نیست (شیروانی، ۱۳۸۸، ۳۸۱).

برای این که معلوم شود آیا علم اجمالی مانند علم تفصیلی منجر تکلیف هست یا خیر باید بررسی شود که آیا علم اجمالی مانند علم تفصیلی حرمت مخالفت قطعی و وجوب موافقت قطعی دارد یا خیر. در علم اجمالی در رابطه با اثبات تکلیف در دو جهت بحث مطرح می‌شود:

جهت اول: حرمت مخالفت قطعی

جهت دوم: وجوب موافقت قطعی

اصولاً معمولاً جهت اول را در مبحث قطع و جهت دوم را در مبحث اشتغال بحث می‌کنند. با توجه به هر دو جهت با بررسی در کتب اصولی به طور کلی به چهار نظریه دست می‌یابیم.

وجود علم اجمالی در رابطه با تکلیف، همانند شک بدوی است، به دلیل عدم وجود دلیل عقلی یا نقلی بر حرمت مخالفت و عقاب بر آن و نیز اجماع بر بطلان آن وجود ندارد. (مشکینی، ۱۴۱۳، ۱۶۷) در نقد این نظریه باید گفت: با مراجعه به عقل و عقلاً بطلان این احتمال واضح و روشن می‌شود؛ چرا که برای مغبوضیت نزد مولی فرقی نمی‌کند که انسان در حال عمل بداند که مغبوض مولی بوده است یا بعداً بفهمد (لنکرانی، ۱۳۷۷، ۱۰-۱۲).

مخالفت قطعی حرام ولی موافقت قطعی لازم نیست بلکه موافقت احتمالی کفایت می‌کند؛ به دلیل اخبار براءت^۱ و نیز عدم دلیل عقلی یا شرعی حتی اخباری بر جواز ارتکاب بعض وجود دارد (قمی، ۱۳۶۳، ۲۷۳).

برخی قائل به تأثیر علم اجمالی هستند و علم اجمالی را نسبت به حرمت مخالفت قطعی علت تامه می‌دانند؛ یعنی هر کجا که علم اجمالی وجود داشت، مخالفت قطعی با آن حرام است. ولی نسبت به وجوب موافقت قطعی مقتضی می‌باشد؛ یعنی اگر مانعی (مثل ترخیص شرعی یا عقلی) نباشد، علم اجمالی اثر دارد؛ چرا که اجرای اصل در هر دو طرف منجر به اجتماع نقیضین می‌شود؛ بدین معنی که هم در واقع یکی از دو طرف واجب است و هم به حکم ظاهر و اصل واجب نیست؛ لذا علم اجمالی علت تامه برای مخالفت قطعی است (انصاری، ۱۴۱۶، ۳۳-۳۵).

عده‌ای دیگر در مبحث قطع، علم اجمالی را مقتضی برای حرمت مخالفت قطعی و وجوب موافقت قطعی می‌دانند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ۳۱۴). ولی نهایتاً در مبحث اشتغال علم اجمالی را علت تامه در ایجاب مرتبه دوم و موافقت قطعی را لازم دانسته‌اند؛ بنابراین ترخیص شارع در ترک بعض اطراف جایز نیست تا چه رسد که هر دو طرف را ترخیص کند.

با بررسی نظراتی که درخصوص علم اجمالی بیان شد، این نتیجه استنباط می‌شود که میان علم اجمالی و علم تفصیلی از جهت موافقت قطعی و مخالفت قطعی تفاوتی وجود ندارد. به عبارتی العلم الاجمالی کالعلم التفصیلی منجز للواقع؛ و با رجوع به عقل و عقلاً بدیهی بودن مسأله مشخص می‌شود بنابراین علم اجمالی علت تامه تنجز تکلیف است و حکم همه موارد علم اجمالی از جمله مسأله مورد بررسی این چنین است.

۳-۱-۲- محصوره بودن شبهه

دومین شرط لازم این است که تعداد افراد شبهه باید محصوره باشد. در مواردی که علم اجمالی به سبب زیان وجود دارد نوعی شبهه در خصوص مسؤول خسارت وجود دارد که به نظر می‌رسد با تعیین نوع شبهه می‌توان حکم شبهه غیرمحصوره و محصوره را از یکدیگر تفکیک نمود. در واقع یکی از مباحثی که در موضوع علم اجمالی مطرح شده، شبهه محصوره و غیرمحصوره است؛ بنابراین شبهه محصوره و غیر

۱. «كُلُّشَيْءٍ هُوَ لَكَ خَلَالٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ حَرَامٌ بِعَيْنِهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البیت داراحیاء التراث، قم).

محصوره غالباً بر شبهات واقع در اطراف علم اجمالی گفته می‌شود (قلی‌زاده، ۱۳۷۹، ۱۲۳).
به نظر می‌رسد در مسئولیت مدنی تیم پزشکی، عواملی که یکی از آنها قطعاً موجب ورود زیان شده است ممکن است به دو دسته فعال و غیر فعال قابل تقسیم باشند. در دسته فعال، در واقع زمانی می‌توان حکم به مسئولیت افراد جمع بدهیم که همه عوامل فعال بوده‌اند و در خصوص عوامل غیر فعال نمی‌توان حکم به مسئولیت جمع داد؛ زیرا این گروه دست به اقدامی نزنده‌اند که بتوان آن را مقصر دانست.

۳-۱-۳- اقدام همزمان اعضای تیم پزشکی

در مسئولیت مدنی تیم پزشکی، عواملی که یکی از آنها قطعاً موجب ورود زیان شده است ممکن است به دو دسته فعال و غیرفعال قابل تقسیم باشند. در دسته فعال، در واقع زمانی می‌توان حکم به مسئولیت افراد جمع بدهیم که همه عوامل فعال بوده‌اند و در خصوص عوامل غیرفعال نمی‌توان حکم به مسئولیت جمع داد؛ زیرا این گروه دست به اقدامی نزنده‌اند که بتوان آن را مقصر دانست.

۳-۱-۴- مقصر نبودن زیان دیده

چهارمین شرطی که برای تحقق بحث مسئولیت مدنی سبب مجمل تیم پزشکی مورد نیاز است، عدم تقصیر زیان دیده است؛ زیرا وظیفه هر انسانی این است که اموال خود را از هر خطر مادی و معنوی حفظ کند. بنابراین هرگاه زیان دیده در نتیجه اتلاف و یا تسبیب یا هر عمل دیگری که دارای مسئولیت مدنی است در شرف تحمل ضرر بیشتری باشد باید در صورت توانایی از ورود ضرر بیشتر جلوگیری کند و اگر خودداری یا سهل‌انگاری کند اقدامی منفی به ضرر خود کرده و مسؤول می‌باشد (داراب پور، ۱۳۹۰، ۸۸).

مسائل مربوط به تقصیر و کاهلی زیان دیده در فقه به‌عنوان قاعده اقدام مطرح می‌شود این قاعده به عنوان یکی از قواعد فقهی در کتب فقهی و اصولی کمتر مطرح و بررسی شده است و بیشتر در فروع مختلف و در مباحث راجع به غصب، ودیعه، قصاص و دیات از آن سخن گفته شده است (کاظمی، ۱۳۷۷، ۸۶). مقصود از قاعده اقدام آن است که شخص به ضرر خود نسبت به جان یا مال خود اقدام کند و آگاهانه ضرر را بپذیرد.

ممکن است که از مفاد قاعده اقدام استنباط شود که در فقه اسلامی هرکجا که زیان دیده به ضرر خود اقدام کند نباید دیگر انتظار جبران خسارت از دیگران را داشته باشد هرچند که تمام سبب را فراهم نکند.

(حلی، ۱۹۹۱، ۵۳۴) با همه وجود باید این نظر را تعدیل کرد. به این صورت که درجه تأثیر کاهلی زیان دیده در ایجاد و تشدید خطر و گسترش ضرر به حساب آورد و نوعی دخالت زیان دیده در ضرر حاصل شده محسوب می‌شود و او را از حق مطالبه خسارت محروم نمی‌سازد و باید دید میزان خسارتی که از اقدام او به وجود آمده چه اندازه است (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۱۴۲-۳۱۱).

۳-۲- حقوق انگلستان

به نظر می‌رسد در حقوق انگلستان رویکردهای متفاوتی وجود ندارد و زمانی که زیان وارده حاصل عملکرد جمعی عاملان ورود زیان باشد، مسؤولیت هر عامل به میزان تأثیر او در وقوع خسارت بستگی خواهد داشت. البته تعیین میزان دقیق دخالت یا تأثیر هر عامل در ورود حوادث همیشه به سادگی صورت نمی‌پذیرد. (Cooke, 2010, p. 170) به عنوان مثال، می‌توان به دعوی «فیتز جرالده علیه لین» اشاره کرد.^۱ در این دعوا خسارات وارده ناشی از بی‌احتیاطی خواهان و خواندگان دعوا بود. یعنی صدمات وارده ناشی از اشتراک عمل خواهان با دو خواننده بود. بنابراین، دادگاه نیمی از مسؤولیت را به عهده خواننده دعوی و نیم دیگر را به عهده خواندگان دعوی قرار داد (Elliot, 2009, p. 370). البته در مواردی که نقش یک عامل در وقوع خسارت به حدی است که می‌توان گفت عامل دوم تحت تأثیر عامل اول و به تبع آن باعث ورود زیان شده، مسؤولیت جبران خسارت به عهده عامل اصلی یا عاملی که زمینه ساز دخالت عامل دیگر بوده است، می‌باشد.

۴- اصول و قواعد ناظر بر مسؤولیت مدنی سبب مجمل تیم پزشکی

در صورت وجود مبنای و شروط مسؤولیت مدنی سبب مجمل تیم پزشکی، خسارت وارده باید جبران شود. به این صورت که ابتدا به راه حل‌های مختلف مطرح شده پرداخته شده و در ادامه به نحوه و چگونگی پرداخت خسارت اختصاص یافته است:

راه‌حل‌های مختلف مطرح شده جبران خسارت و نحوه و چگونگی پرداخت خسارت در حقوق ایران و انگلستان

۴-۱- تعیین مسؤول پرداخت خسارت

موضوع مورد بحث و اختلاف، تعیین مسؤول پرداخت خسارت از طرف تیم پزشکی است. در این

1. Fitzgerald Lane.v, 1987

خصوص نظریه‌های مختلفی بیان شده است؛ از جمله می‌توان به تخییر قاضی، قرعه، جبران خسارت از بیت‌المال و تقسیم مسئولیت اشاره کرد که در این قسمت به بیان این نظرات و ارزیابی هریک پرداخته خواهد شد.

۴-۱-۱- حقوق ایران

۴-۱-۱-۱- تخییر قاضی

اگر اصل الزام و تکلیف معلوم و مکلف به بین وجوب و حرمت مردد باشد و عمل به هر دو تکلیف هم ممکن باشد در این حالت مجرای اصل احتیاط است؛ بنابراین باید تمام اطراف علم اجمالی را انجام داد تا یقین شود که به تکلیف شارع عمل شده است و حالت دیگر اینکه تکلیف بین دو محذور (وجوب و حرمت) قرار گرفته باشد و عمل به هر دو ممکن نباشد که اصولیون از این امر به دوران امر بین محذورین تعبیر کرده‌اند و به دلیل عدم امکان عمل به هر دو، مکلف را در انجام یکی از آن‌ها مخیر ساخته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵، ۳۶۶).

در مسأله پزشکی سابقه‌ای از مظنونان به مسئولیت وجود ندارد یا اگر هم باشد فرض این است که تأثیری در ضمان کنونی آنها ندارد؛ علاوه بر این، با توجه به اینکه نسبت به ورود ضرر، قطع و نسبت به عامل آن علم اجمالی وجود دارد. لذا نسبت به لزوم جبران زیان شک و تردیدی نیست و از جهت دیگر نمی‌توان از همه مظنونان خسارت گرفت؛ زیرا فرض این است که یکی از افراد سبب خسارت شده و دریافت خسارت از بقیه مصداق استیفای ناروا و اکل مال به باطل است؛ بنابراین مسأله از مصادیق تردید میان دو یا چند حکم غیرقابل جمع تلقی می‌شود. در چنین وضعیتی برخی معتقدند که امر بین لزوم جبران خسارت توسط مسؤل واقعی و ممنوع بودن دریافت خسارت از دیگران در دوران است و موضوع را از مصادیق دوران امر بین محذورین و محل جریان اصل تخییر می‌دانند اما باید گفت اعمال تخییر و دادن اختیار به قاضی که بتواند درباره تمام افراد به عدم ضمان حکم دهد یا همه آنها را ضامن بداند یا برخی را به جبران خسارت زیان دیده ملزم و برخی دیگر را تبرئه کند، نتیجه‌ای است که عقل سلیم آن را نمی‌پذیرد (صفری، ۱۳۷۹، ۴۹-۶۷).

طرفداران این نظریه معتقدند از آن جهت که موافقت قطعی (دریافت خسارت از همه) و مخالفت قطعی (عدم دریافت خسارت) ممکن نیست و علاوه بر این ضمیمه کردن چند عمل به یکدیگر از لحاظ

حکم ضمان دلیل معتبری ندارد. لذا باید هریک از آنها را به صورت مستقل لحاظ نمود؛ (موسوی الخویی، ۱۳۱۴، ۳۷۰-۳۷۱) به این صورت که با ضامن دانستن یکی از اسباب مذکور و تبرئه سایرین، زمینه عدم مخالفت قطعی و موافقت احتمالی با علم اجمالی را فراهم ساخت؛ بنابراین هرچند نمی‌توانیم موافقت قطعی با علم اجمالی داشته باشیم، حداقل موافقت احتمالی به دست می‌آید. این نظریه مبتنی بر آن است که قائل به حرمت مخالفت قطعی و عدم وجوب موافقت قطعی باشیم یعنی موافقت احتمالی را کافی بدانیم.

در حقوق ایران قاضی برابر اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده‌ی ۳ قانون آیین دادرسی مدنی باید مطابق قوانین مدون حکم صادر کند و در صورتی که حکمی در قوانین مدون نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر یا اصول حقوقی حکم قضیه را صادر کند. صاحب نظران حقوق هم وظیفه دارند با تبع در منابع معتبر فقهی و حقوقی راه‌حلهایی که علاوه بر عادلانه بودن، با اصول فقهی و حقوقی سازگار باشد در اختیار قضات قرار دهند. تردیدی نیست تا وقتی که خلاء قانونی در این زمینه وجود دارد، قاضی در هر مورد نظر نهایی را اعمال می‌کند اما این نظر باید مبتنی بر استدلال‌های حقوقی و متناسب با شرایط خاص هر پرونده باشد. اما مهم این است که معضل اختیار قاضی در تعیین سبب مزبور بدون هیچ قرینه و سوء استفاده‌های ناشی از آن همچنان باقی است (راعی، ۱۳۹۰، ۹۶).

۴-۱-۲- قاعده قرعه

یکی از راه‌های خروج از بن‌بست در مسأله مورد بررسی که با حقوق اسلامی هم سازگار می‌باشد، قاعده قرعه است.

در اصطلاح فقهی، قرعه عبارت است از: «روشی که برای رفع تردید و تحیر و امکان تصمیم در جایی که ترجیحی در بین نباشد به کار برده می‌شود». (محمدی، ۱۳۹۰، ۹۵).

به طور کلی قاعده قرعه در دو جا اعمال می‌شود: موضوعاتی که حکم آنها در واقع و ظاهر مجهول است و موضوعاتی که حکم آنها در ظاهر بین دو شیء یا بیشتر مردد، ولی در واقع معین است که در این صورت بدون تردید، برای تعیین آن به قرعه استناد می‌کنند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۵).

مورد اخیر می‌تواند ناظر به سبب مجمل در تیم پزشکی باشد؛ بنابراین به این لحاظ اجرای قاعده قرعه اشکال ندارد. برخی از فقها نیز معتقدند قرعه در شبهات موضوعیه بدویه و شبهات حکمیة قابل استفاده نیست؛ زیرا در این نوع از شبهات به وسیله سایر ادله همچون اصول عملیه و امارات می‌توان شبهه

را برطرف نمود؛ در واقع می‌توان گفت این موارد از شمول ادله قاعده قرعه، خروج موضوعی دارند. در غالب موارد، قرعه مختص به باب حقوق است ولی این امر را نمی‌توان جزء ماهیت قرعه دانست؛ زیرا اگر حقی هم در میان نباشد می‌توان از قرعه استفاده کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۳۴۵).

بنابر آنچه از اقوال فقها در کتب فقه و قواعد فقه برمی‌آید، قاعده قرعه یک قاعده عام است که اختصاص به مواردی که در روایات و اخبار آمده ندارد و در مسائلی مانند مسئولیت مدنی سبب مجمل تیم پزشکی نیز قابل اعمال است؛ به عبارت دیگر در مواردی که حقوق و مصالح افراد با هم مساوی‌اند و بیم آن می‌رود که بین آنها اختلاف شود «قرعه» تشریح شده است. همچنان که برخی از فقهای معاصر، در موردی که دو نفر جرحی به شخصی وارد می‌کنند و جرح یکی از آن دو، به قتل معینی منجر می‌شود و معلوم نیست جرح از طرف کدام یک بوده است قائل به قرعه شده‌اند (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵، ۱۵۶). برخی دیگر نیز در پاسخ به این پرسش که اگر دونفر متهم به قتل باشند و هرکدام ادعا کند که دیگری کشته است، چه باید کرد؟ بیان کرده‌اند با گفته یک نفر قاتل بودن ثابت نمی‌شود و در صورت علم اجمالی به قاتل بودن یکی از آن دو نفر معین، اگر حجت شرعی بر قاتل بودن یکی قائم نشود و نوبت به دیه برسد، دیه را با قید قرعه از یکی می‌توان گرفت (کریمی، ۱۳۶۵، ۱۶۳).

در حقوق نیز قاعده قرعه پذیرفته شده است؛ شاهد این ادعا، مواد متعددی است که در قوانین موضوعه در خصوص کاربرد این قاعده آمده است. برای مثال می‌توان به مواد (۵۹۸ و ۵۹۹) قانون مدنی و مواد (۳۱۹ و ۳۲۰) قانون امور حبسی اشاره نمود واز همه مهم‌تر در ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی سابق (۱۳۷۰) نیز قرعه برای تعیین مسؤؤل پرداخت دیه پیش‌بینی شده بود.^۱ در واقع می‌توان گفت یکی از دلایل اصلی که حقوقدانان معتقد به قاعده قرعه در خصوص راه حل انتخاب مسؤؤل، بدان استناد کرده‌اند همین ماده بوده است. بنابراین برای مثال در فرض قصور پزشکی، هرگاه برخی از پرسنل تیم پزشکی صرفاً مقصر و بعضی بی‌تقصیر باشند فقط پرسنل مقصر اطرف علم اجمالی هستند و مسؤؤل از میان آنان با قید قرعه تعیین می‌شود^۲ و هرگاه هیچ‌کدام مقصر نباشند اگر عمل آنها اتلاف محسوب شود که ظاهراً هم چنین است همه آنان اطراف علم اجمالی هستند و قاعده‌ی قرعه برای تعیین مسؤؤل بین آنان اعمال می‌گردد (صفایی،

۱. ماده‌ی ۳۱۵ بیان می‌کند: «اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هرکدام ادعا کنند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو نفر باشد م جهت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد. باقید قرعه، دیه از یکی از آن دو گرفته می‌شود با استناد به این ماده و اخذ وحدت ملاک از آن، مسأله منازعه را نیز می‌توان با قرعه حل کرد».

۲. مستنبط از مواد ۳۳۵ و ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی سابق.

۱۳۸۸، ۴۳).

۴-۱-۳- پرداخت از بیت‌المال

پرداخت خسارت از بودجه عمومی یا بیت‌المال از دیگر راه‌هایی قابل پیش‌بینی برای حل مسأله یادشده است که برخی ادله آن را قوت می‌بخشد و در موارد متعددی در حقوق اسلامی پیش‌بینی شده است. برای مثال، چنانچه جسد شخصی در شارع عام پیدا شود و هیچ‌گونه دلیل قطعی یا ظنی بر انتساب قتل، به شخص یا اشخاص در دست نباشد و یا در مورد کسی که در اثر ازدحام به قتل برسد و قرائن ظنی بر انتساب قتل او به شخص یا جماعتی نباشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ۵۲۸). در این زمینه می‌توان از ملاک ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که جانشین ماده‌ی ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی سابق شده است نیز استفاده کرد. در ماده ۲۵۵ بیان شده بود: «اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود و یا بر اثر ازدحام کشته شود دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد» در این مورد اداره حقوقی قوه قضائیه مصادیق مذکور در این ماده (کشته شدن در اثر ازدحام یا پیدا شدن مقتول در شارع عام) را تنها دو مصداق از مصادیق مختلف پرداخت دیه از بیت‌المال می‌دانست (حسین میر محمدصادقی، ۱۳۹۲، ۳۶۴) حکم مقرر در ماده ۴۸۷، برخلاف حکم ماده ۲۵۵ عام بوده و در هر صورت اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا شخص بر اثر ازدحام کشته شود، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. علاوه بر ماده ۴۸۷، در مواد (۳۳۳، ۳۳۴، ۴۸۴) همین قانون و ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری، بیت‌المال را مسؤؤل پرداخت دیه قتل و جراحات دانسته است.

مهمتر از مواد فوق، ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی که مصداق بارز مسأله مسؤولیت مدنی سبب مجمل تیم پزشکی است، در موارد علم اجمالی به ارتکاب جنایت توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین و نبودن لوث برای ولی دم، حق مطالبه‌ی سوگند از متهمان را قائل شده که در صورت سوگند یاد کردن همه آنها، (دیه در حالت قتل) از بیت‌المال پرداخت می‌شود.^۱

۴-۱-۴- توزیع خسارت

یکی دیگر از راهکارهای بیان‌شده؛ توزیع و تقسیم خسارت، بین افراد محصور و مشخص است. طرفداران این نظریه، برای توجیه نظر خود به قاعده عدل و انصاف استناد کرده‌اند.

۱. در مورد جنایات مادون نفس، طبق ماده‌ی ۴۷۷، در چنین حالاتی، دیه به تساوی از مرتکبان اخذ خواهد شد.

گروهی از فقها، در فرض اسباب مجمل، پس از طرح تساوی جبران خسارت، به توزیع دیه حکم کرده‌اند. برای مثال آیت‌الله مکارم شیرازی در پاسخ به این پرسش که «چنانچه در اثر تیراندازی همزمان چند شخص، فردی کشته شود و نتوان ثابت نمود که تیر کدام یک به مقتول اصابت نموده تکلیف چیست؟» گفته‌اند «چنانچه ثابت شود که به واسطه یکی از آنها این شخص کشته شده و راهی برای تعیین قاتل نباشد، دیه در بین آنها تقسیم می‌شود». آیت‌الله گلپایگانی قائل به همین نظر شده‌اند، ایشان در پاسخ به استفتائی در این خصوص گفته‌اند با علم اجمالی به ارتکاب قتل توسط یکی از دو نفر، اولیاء دم مقتول می‌توانند هر دو نفر را قسم بدهند، پس اگر هر دو قسم بخورند بر عدم قتل یا هیچ یک قسم نخورند، باید دیه را مشترکاً به ورثه مقتول بدهند. یکی از محققان معاصر معتقد است فقهاء به اشتباه در مورد جریان قرعه و جریان قاعده عدل و انصاف اظهار نگرانی کرده‌اند و هیچ‌گونه راه حلی برای رفع نگرانی نیافته‌اند؛ زیرا هر جا که بتوان قاعده عدل و انصاف را به کار برد نوبت به قرعه که حاکم کور است نمی‌رسد. در مورد اجرای قاعده عدل و انصاف، انسان خود را بصیر و بینا می‌بیند. علاوه بر این محور اصلی علم حقوق و قوانین باید عدل و انصاف باشد؛ بنابراین تا جایی که می‌توان از قاعده عدل و انصاف بهره برد نباید از قرعه استفاده کرد و این خود از بدیهیات است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۷۵).

یکی از فقهای معاصر نیز تقسیم خسارت بین عاملین زیان را مطابق قول مشهور دانسته و معتقدند که دیه‌ی مقتول طبق قاعده عدل و انصاف باید بر تمام شرکت‌کنندگان در زیان و نزاع تقسیم شود؛ زیرا در غیر این صورت خون یک نفر مسلمان پایمال می‌شود و چون قاتل مشخص نیست و تکلیف هر کدام از آنها به پرداخت دیه ترجیح بلا مرجح است چاره‌ای نیست جز اینکه بر تمام آنها توزیع شود از طرفی قول به قرعه با روایات مغایرت دارد پس نمی‌توان آن را به عنوان یک اصل کلی پذیرفت و به فرض اینکه قرعه عمومیت داشته باشد در ما نحن فیه بابرخی روایات تخصیص خورده است (مرعشی، ۱۳۶۵، ۲۹).

از نظر قوانین موضوعه نیز تکلیف قضیه با صراحت بیان نشده است اما شاید بتوان از روح کلی مقررات به این نتیجه رسید که در این گونه موارد نظر تقدم انصاف و عدالت بر قرعه بوده است.

گروهی مخالف قاعده عدل و انصاف و تقسیم به تساوی بوده و این قاعده را محدود به موارد خاصی دانسته‌اند که در فقه بیان شده است. از این رو تعدادی از آنها تمسک به قاعده عدل و انصاف را جایز نمی‌دانند به عنوان مثال مرحوم آیت‌الله خوئی قاعده عدل و انصاف را مطلقاً ثابت نمی‌دانند (موسوی

الخویی، ۱۳۱۴، ۵۶) و شهید ثانی روایاتی را که در خصوص مال ودعی، بنا بر تنصیف گذاشته را دارای ضعف سندی می‌دانند و معتقدند مقتضای قواعد در این موارد استناد به قاعده قرعه است.

۴-۲- جمع بندی

از سیر اجمالی در اندیشه‌ها می‌توان نتیجه گرفت که هدف اصلی جبران عادلانه ضرری است که ورود آن احراز شده و مرتکب آن به اجمال معلوم است که در جمع خوانندگان است، وگرنه هیچ یک از نظریه‌ها در اثبات رابطه سببیت کافی نیست و ذهن را قانع نمی‌کند و این راه‌حل‌ها تکیه گاه مناسب برای طرفداران نظریه تضمین حق است و به نظر می‌رسد که با لحاظ ماده‌ی ۱۶۵ قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳ که تقسیم مسؤولیت بر اساس درجه تقصیر را پذیرفته و ویژه خسارات دریایی است، مسؤولیت باید بر اساس میزان تأثیر هر یک از اسباب تقسیم شود چون با ساکت بودن نص قانونی می‌توان از اصول کلی به عنوان قاعده استفاده کرد و بر طبق قاعده هرگاه تأثیر اضافی برخی اسباب نسبت به برخی دیگر اثبات نشود که استثناء است، اصل بر تساوی است. ولی اگر مدعی بتواند چنین ادعایی را اثبات کند قاضی هم باید بر همان اساس حکم دهد. لذا اعمال ماده فوق‌الذکر در مقاله پیشنهاد می‌گردد.

۴-۳- حقوق انگلستان

در مسؤولیت مدنی سبب مجمل، تردیدی نیست که یکی از چند عامل مورد نظر مقصر واقعی است اما به دلیل پیچیدگی، ابهام یا تخصصی بودن موضوع شناخت آن ممکن نیست. در این زمینه دادگاه‌های آمریکا در مواردی که خسارات وارده تنها از سوی یک عامل ایجاد شده است و اولاً تعداد مرتکبین خطای مدنی محدود است، ثانیاً تمامی مرتکبین به دادگاه فرخوانده شده اند، ثالثاً: امکان تشخیص سبب اصلی وجود ندارد، مسؤولیت تضامنی را پذیرفته‌اند (Stephenson, 2000, p.167). برای بررسی بهتر موضوع در حقوق انگلستان لازم است به رأی بحث برانگیز در این زمینه اشاره شود.

پرونده «گلن‌هاون علیه فیرچایلد»^۱ مربوط به کارگرانی (خواهان‌ها) بود که در حین کار در یک کارخانه در معرض موادی سمی و خطرناک قرار گرفتند. این امر باعث شد فیبر خاصی از ماده مذکور وارد ریه آنها شده و با رو به وخامت نهادن تبدیل به تومور و در نهایت مرگ برخی از کارگران گردد (بیماری مسوتلیوما).^۱

1 . Fairchild v. Glenhaven Funeral services Ltd [2002] 5 ER All 3

در این بیماری برخلاف بیماری آسبستوسیس^۲ فیبر مذکور، صرفاً با یک بار قرار گرفتن در معرض مواد سمی، وارد ریه شده و بیشتر یا کمتر بودن زمانی که فرد در معرض مواد سمی است تأثیری بر وخامت بیماری نخواهد داشت؛ بدین معنی که در هر صورت تنها یکی از کارخانه‌هایی که کارگران در آنان مشغول به کار بوده‌اند مسؤول ورود فیبر و ابتلا به بیماری بود، اما کارخانه مذکور میان چند کارخانه دیگر مردد بود و تشخیص آن امکان نداشت. دادگاه عالی انگلستان با توجه به وقایع موجود مقرر داشت که خواهان‌ها باید ثابت کنند کدام فیبر در زمان کار با کدام کارفرما وارد ریه آنها شده و تنها در این صورت است که مسؤول اصلی خسارات وارده شناخته خواهد شد. از آنجا که پدیدار شدن آثار بیماری ممکن است حتی ده سال زمان ببرد و در این حین کارگران برای کارخانه‌های مختلفی فعالیت نموده باشند، عملاً اثبات آنچه دادگاه لازم دانسته بود امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسید. پس از صدور رأی مسؤولیت خواندگان در برابر کارگران، مسؤولیتی تضامنی شناخته شد. با این حال، کمی بعد، توسط دادگاه عالی، پرونده به مجلس اعیان انگلستان ارجاع داده شد و طبق نظر این مقام، این روش محدودیت‌هایی به خود دید. در دعوی که در سال ۲۰۰۶ میلادی مطرح شد (خادم رضوی، ۱۳۹۴، ۱۵) مجلس اعیان انگلستان یک گام به عقب برداشت و نسبی بودن مسؤولیت خواندگان را جایگزین مسؤولیت تضامنی آنان نمود لازم به ذکر است، نباید سبب مجمل را با «استقلال عوامل»، در حالتی که قابلیت تعیین مسؤول وجود دارد، خلط نمود. زیرا در سبب مجمل تنها یکی از عوامل موجود یک خسارت را به خواهان وارد نموده که میزان خسارت قابل محاسبه است اما امکان شناسایی سبب اصلی ورود حادثه وجود ندارد. این در حالیست که در بحث «استقلال عوامل» که یک خسارت به خواهان وارد شده است، امکان تشخیص عاملی که بین عمل او و زیان وارده رابطه سببیت برقرار است وجود دارد.

۴-۴- نحوه تقسیم مسؤولیت

در این قسمت به نحوه و چگونگی توزیع و تقسیم خسارت، پرداخته خواهد شد. در این خصوص دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول مسؤولیت تضامنی دوم تقسیم مسؤولیت بین اسباب زیان به طور مساوی است.

1 . Mesothelioma.

2 . Asbestosis.

۴-۴-۱- مسؤولیت تضامنی تیم پزشکی

برخی از حقوقدانان ایران معتقدند مسؤولیت افراد در ورود خسارت تضامنی است، با این استدلال که خوانندگان متعدد با هم خسارت را ایجاد کرده‌اند و نمی‌توان چنین مسؤولیتی را تجزیه نمود؛ و در تأیید نظریه خود به مواد قانونی از جمله؛ مواد ۳۱۶ و ۳۲۷ قانون مدنی که در خصوص مسؤولیت تضامنی غاصب است و ماده ۱۴ قانون مسؤولیت مدنی که بیان می‌کند هر گاه چند نفر مجتمعاً زبانی را وارد سازند، متضامناً مسؤول جبران خسارت می‌باشند و استفاده از وحدت ملاک این ماده و سرایت به موارد مشابه، استناد کرده‌اند (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۷۸، ۳۰۶).

به نظر می‌رسد هر چند نتایج این نظریه برای جبران خسارت و جلوگیری از هرج و مرج حقوقی مؤثر است و همان‌گونه که بیان شد حتی به نفع زیان‌دیده است، اما با این وجود در مسأله مسؤولیت مدنی سبب مجمل تیم پزشکی امکان تمسک به این شیوه در تمامی اقسام آن وجود ندارد و در واقع تضامن تنها در جایی معنا پیدا می‌کند که همه افراد گروه در ارتکاب تقصیر باهمدیگر همراه باشند. بنابراین در مواردی که برخی از افراد گروه هیچ عمل خطایی انجام نداده‌اند و فقط یکی از آنها مرتکب تقصیر شده است به کار نمی‌رود. علاوه بر این، اساساً تضامن در فقه اسلامی خلا فاصل است و مواردی هم که مسؤولیت تضامنی در آنها پذیرفته شده است، موارد استثنائی‌اند که مبتنی بر علل خاصی‌اند و با استقراء در موارد خاص نمی‌توان حکم کلی را نتیجه گرفت (قاسم‌زاده، ۱۳۸۵، ۳۹۸). برخی از فقها معتقدند همان‌گونه که قرار گرفتن یک مال به طور همزمان در دو مکان محال است قرار گرفتن مال واحد به طور همزمان بر دو عهده مختلف هم محال است (نائینی آملی، ۱۴۱۳، ۱۹۹). برخی نیز این شک و تردید در خصوص مسؤولیت تضامنی را به زبان دیگری بیان کرده‌اند از جمله اینکه هر چیزی یک مدل بیشتر نمی‌تواند داشته باشد چگونه معقول است که مسؤولیت تهیه بدل آن بر عهده اشخاص متعدد قرار گیرد (حکیم، ۱۳۹۰، ۲۶۷).

۴-۴-۲- مسؤولیت به تساوی

وقتی خسارت نتیجه کار جمعی چند سبب مختلف باشد به نحوی که نتوان گفت خسارت از فعل یا ترک فعل کدام عامل زیان نشأت گرفته است، تجزیه خسارت و قرار دادن خسارت و مسؤولیت جبران هر جزء آن بر ذمه یکی از اسباب توجیه منطقی است؛ از جمله مبانی تساوی مسؤولیت در اسباب مجمل می‌توان به عدالت توزیعی اشاره نمود. عدالت توزیعی یعنی اینکهاز تمام ضررها باید به عنوان مبنای

مسئولیت مدنی سخن گفته شود. امروزه مسئولیت مدنی الزامی برای تحقق عدالت توزیعی شده است؛ مسئولیت مدنی صرفاً تدارک ضمانت اجرا برای خطای مرتکب علیه زیان دیده نیست بلکه مسئولیت مدنی باید به دنبال تقسیم ضررهای غیر عمد و اتفاقی و انتقال آن از زیان دیده به اشخاص دیگر باشد. (ادینی، ۱۳۸۴، ۵۰۷-۵۰۷) مسئولیت مشترک و مساوی اسباب متعدد در مورد علم اجمالی در پاره‌ای از فروض و مسئولیت بیت‌المال در فروض دیگر مندرج در قانون می‌تواند انعکاسی از مبنای عدالت توزیعی در حقوق مسئولیت مدنی در زمینه خسارات باشد. گروهی از فقهای امامیه نیز در فرض علم اجمالی به سبب در قتل، تساوی اسباب در جبران خسارت را مناسب‌تر می‌دانند (مکی عاملی، ۱۳۷۰، ۱۸۳-۲۵۵). همچنین برخی از محاکم در خصوص نحوه توزیع خسارت براساس تقسیم مسئولیت به تساوی بین عاملین زیان حکم صادر کرده‌اند.^۱

در حقوق انگلستان در موردی که بیش از یک عامل در ورود خسارت دخالت داشته باشد، دادگاه‌های انگلستان روشهای متفاوتی را برای تعیین مسئول و سبب اصلی حادثه در پیش می‌گیرند:

معیار اول: دخالت عامل جدید: زمانی که یک عامل مرتکب تقصیری در ورود زیان گردیده اما عاملی دیگر پس از عامل اول در حادثه دخالت نموده باشد، باید گفت عامل دوم مانع از تأثیرگذاری عامل اول شده و خود مسئول خسارت است. به عنوان نمونه در پرونده‌ی «تامپسون علیه بلیک‌جیمز»^۲ پزشکی از روی بی‌احتیاطی به والدین کودک توصیه تزریق واکسن نمود. با ابتلای کودک به سرخک، والدین او دعوایی علیه پزشک اقامه نمودند. از آنجا که والدین کودک به گفته‌های پزشک مذکور تکیه نکرده و به چند پزشک دیگر هم مراجعه نمودند، دعوایشان علیه پزشک اول رد شد (خادم رضوی، ۱۳۹۴، ۱۰).

معیار دوم: مشارکت اساسی در وقوع خسارت: در مواردی که چند عامل در ورود خسارات به زیان دیده دخیل بوده‌اند اما مشارکت و دخالت یکی از عوامل در مقایسه با سایر عوامل از اهمیت بیشتری برخوردار باشد، به عنوان مثال، در پرونده «ویلشر علیه اسکس»^۳ نوزادی سه ماهه بدلیل تولد زودرس می‌بایست در دستگاه اکسیژن مورد مراقبت و نگهداری قرار می‌گرفت. پزشکی که مسئولیت مراقبت از نوزاد را به عهده

۱. چنان که شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور در مقام نقض دادنامه دادگاه بدوی در رأی شماره ۱۱/۴۱۷/۱۱ مستفاد از ماده ۱۰ قانون قصاص و مواد «۳۸» الی «۴۰» قانون دیات مصوب ۱۳۶۱ درباره اشتراک در جنایت اظهار داشته‌اند دیه باید بالاسویه بین متهمین تقسیم شود. بازگیر یدالله، قانون در آیینہ آرای دیوان عالی کشور، نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱، ۲۳۱.

2. Blake James (1998) v. Thompson. Loyds Rep Med 187.

3. Wilsher v Essex Area Health. Authority (1988) 1 All ER 871.

داشت، از روی بی‌احتیاطی، طی دو مرحله اکسیژن بیش از حد تعیین شده به نوزاد رساند و در نتیجه کودک بینایی هر دو چشم خود را از دست داد. والدین نوزاد دعوایی علیه پزشک مذکور و بیمارستان اقامه نمودند. شواهد پزشکی نشان می‌داد که ورود بیش از حد اکسیژن تنها یکی از چند عاملی بود که می‌توانست نابینایی نوزاد را در پی داشته باشد و نابینایی می‌توانست نتیجه پنج ضعف و بیماری دیگری هم که نوزاد بدان‌ها مبتلا بود باشد. در نتیجه، دلیل قطعی بر اینکه میزان نامتعارف اکسیژن حادثه را ایجاد کرده وجود نداشت. در نهایت دادگاه بیان نمود که خواهان باید ثابت کند عمل پزشک عامل اصلی ورود خسارات بوده است و صرف اثبات اینکه (رسانیدن بیش از حد اکسیژن) احتمال وقوع خسارت را افزایش داده دلیلی برای صدور حکم به نفع خواهان نخواهد بود. والدین کودک نتوانستند معیار مورد نظر دادگاه را ثابت کنند و خواهان مسؤول حادثه شناخته نشد (Elliott & Quinn, 2009, p. 43).

۵- نتیجه گیری

سبب مجمل در مواردی به درستی مصداق می‌یابد که گروهی از افراد وجود دارند که از فعل یکی از آنها زبانی به بار می‌آید بدون آنکه عامل زیان تفصیلاً معین باشد. علی‌رغم دشواری اثبات رابطه سببیت مسؤولیت مدنی سبب مجمل تیم پزشکی، با توجه به لزوم جبران ضرر و زیان، لازم است با دقت بیشتری عامل زیان را مسؤول دانست؛ بنابراین همین اندازه که از نظر عرف بتوان وقوع ضرر ناروا را به شخص یا گروهی از تیم پزشکی نسبت داد، باید جبران خسارت صورت گیرد. خواه عامل زیان تفصیلاً مشخص باشد یا اجمالاً. در مجموع به نظر می‌رسد از آنجا که به هر حال گروه مورد نظر اقدامی انجام داده‌اند یا صرفاً در مظان انجام آن قرار گرفته‌اند که سبب ورود خسارت به زیان دیده شده و جبران این زیان هم این است که همه افراد با یکدیگر مسؤول فرض شوند مگر اینکه بتوانند خلاف آن را اثبات کنند؛ بنابراین به نظر می‌رسد اماره سببیت از قوت بیشتری برخوردار باشد.

براساس مبانی باید جبران خسارت صورت گیرد. شیوه‌های مختلفی تاکنون برای جبران خسارت بیان شده؛ تخییر قاضی در الزام هر یک از اسباب مجمل از آن جهت که موجب هرج و مرج، بی‌عدالتی و تشتت آراء خواهد شد مناسب به نظر نمی‌رسد. نظریه قرعه بنا به اعتقادات شرعی و وحدت ملاک ماده ۳۱۵ قانون مجازات مصوب ۱۳۷۰ صحیح است و با اعمال آن یقین به عدم اجحاف نسبت به پرداخت‌کننده به وجود می‌آید؛ چرا که احتمال اصابت قرعه به نام عامل واقعی زیان می‌رود اما با این وجود به نظر

می‌رسد تا وقتی که روش‌های دیگر با مبانی حقوقی مناسب در دسترس هستند و تا حد زیادی عدالت را برقرار می‌کنند نوبت به قرعه نمی‌رسد. شاید به همین دلیل است که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ضابطه قرعه را حذف نموده است. با توجه به اینکه مواد متعددی به پرداخت خسارت از طریق بیت‌المال اختصاص داده به نظر می‌رسد پرداخت از این طریق، خسارت را با تسهیل بیشتری جبران نموده اما از آنجا که این راه حل در خصوص خسارت‌های بدنی است و پرداخت از بیت‌المال خلاف اصل است؛ لذا این راه حل قابل تسری به خسارات مادی نیست. به نظر می‌رسد با لحاظ همه جنبه‌ها روشی که بنا به عقل و عرف و با استناد به قاعده عدل و انصاف، با اصول و مبانی حقوق سازگاری بیشتر دارد؛ تقسیم مسئولیت به تساوی و مطالبه خسارت از تمام اسباب مجمل است؛ زیرا علی‌رغم اینکه همه افراد خسارت را ایجاد نکرده‌اند، عرف و انصاف آن را نادیده می‌گیرد و با توجه به اینکه ترجیح یکی از آنها بر دیگری ترجیح بالمرجح و فاقد توجیه است لذا لازم می‌آید همه اسباب را مسؤول دانسته و جبران خسارت را بر همه آنها تحمیل کرد.

در خصوص نحوه تقسیم مسئولیت، مسئولیت تضامنی از آن جهت که خواهان امکان دریافت خسارت از هریک از مسؤولین را داشته و خواندگان از روابط میان خود آگاه‌ترند و بهتر می‌توانند به یکدیگر رجوع کنند مفید است اما با این وجود، تضامن در فقه اسلامی خلا فاصل است و مواردی هم که مسئولیت تضامنی در آنها پذیرفته شده است، موارد استثنائی‌اند که مبتنی بر علل خاصی‌اند و با استقراء در موارد خاص نمی‌توان حکم کلی را نتیجه گرفت.

به عقیده نگارنده با توجه به مواد فوق می‌توان گفت از آنجا که تقسیم خسارت به تساوی تا حد زیادی عدالت را برقرار می‌کند لذا راه حل تخییر و جبران خسارت از بیت‌المال ناظر به موارد خاص بوده و قابل تسری به خسارت‌های مالی نیستند.

بطور کلی، در حقوق ایران تلاش بر آن است که، با تکیه بر متن قانون و وضع قواعد روشن و ثابت، تا حد ممکن از دشواری‌های موجود بر سرراه تبیین سببیت کاسته شود و از تشتت آراء در این زمینه پیشگیری به عمل آید. حقوق مسئولیت مدنی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. در این رویکرد، انسجام و طرح قواعد کلی در اولویت قرار دارد و توجه به اوضاع و احوال خاص هر دعوی از اهمیت کمتری برخوردار است. این در حالی است که در حقوق انگلستان، هر چند گاه ایجاد قواعدی کم و بیش ثابت در دستور کار قرار می‌گیرد، اما تمرکز بیشتر بر تبیین خطاهای مدنی مستقل و توجه به شرایط خاص هر دعواست تا بدین

طریق بتوان رای صادره را بر عدالت و مصلحت استوار نمود. با این وجود، بر خلاف آنچه تصور می‌شد، تفاوت‌های دو کشور در راهکارهایی حقوقی که برای تبیین سببیت و مفهوم آن بکار می‌گیرند، کمتر از شباهت‌های آنان است؛ به گونه‌ای که از بررسی‌های فوق مشخص شد در مورد «مسئول مجمل» تفاوت بین نظام‌های قانونی دو کشور بسیار اندک است. بنابراین، اگرچه حقوق ایران نگاه کلی و حقوق انگلستان نگاه موردی را در اولویت قرار می‌دهند، اما حقوق دو کشور در نتایج حاصله فاصله چندانی از هم نگرفته است. در پایان، باید گفت بدلیل مشابهت‌های قابل توجهی که در حقوق دو کشور وجود دارد، می‌توان حقوق انگلستان و راهکارهای آن را الگویی برای حقوق ایران قرار داد تا قضات ایران بتوانند در مواردی که راهکاری در حقوق ایران ارائه نشده یا راهکارهای موجود با شرایط دعوی سازگار به نظر نمی‌رسد، از معیارهای مطروحه در حقوق انگلستان بهره ببرند، تا احکام صادره در این موارد با عدالت و اوضاع و احوال حاکم، انطباق بیشتری پیدا کند.

فهرست منابع

۱. آخوندخراسانی، م، (۱۴۰۹). کفایه الاصول، مؤسسه آل البیت (ع)، قم.
۲. آملی، ح، محقق نائینی، م، (۱۴۱۳)، مکاسب البیح، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
۳. امیری قائم‌مقامی، ع، (۱۳۷۸)، حقوق تعهدات، نشر میزان، تهران.
۴. انصاری، م، (۱۴۱۶)، فرائد الأصول، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
۵. انصاری، م، (۱۴۱۵)، مکاسب، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم.
۶. بادینی، ح، (۱۳۸۴)، فلسفه مسؤولیت مدنی، شرکت سهامی انتشار، تهران.
۷. بازگیری، ی، (۱۳۸۱)، قانون در آینه آرای دیوان عالی کشور، نشر دانشگاهی، تهران.
۸. بجنوردی، م، (۱۳۷۷)، القواعد الفقهیه، نشر الهادی، قم.
۹. جعفری لنگرودی، م، (۱۳۸۸)، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران.
۱۰. حر عاملی، م، (۱۴۰۹)، تفصیل وسایل الشیعه، مؤسسه آل البیت دار احیاء التراث، قم.
۱۱. حسینی مراغی، م، (۱۴۱۷)، عناوین الفقهیه، جامعه مدرسین قم، قم.
۱۲. حکیم، م، (۱۳۷۱)، نهج الفقاهه، انتشارات ۲۲ بهمن، قم.
۱۳. حلی، ج، (۱۹۹۱)، قواعد الاحکام، انتشارات دارالتراث العربی و دارالاسلامیه، بیروت.

۱۴. خادم رضوی، ق، (۱۳۹۴)، رابطه سببیت در مسئولیت ناشی از بی احتیاطی نگاهی تطبیقی به حقوق مسئولیت ایران و انگلستان، فصلنامه پژوهش خصوصی (۶۵-۴۳).
۱۵. داراب‌پور، م، (۱۳۹۰)، مسئولیت‌های خارج از قرارداد پرداخت خسارت استرداد عین و امتیازات، انتشارات مجد، تهران.
۱۶. راعی، م. شریفیان، ع، (۱۳۹۰)، تقصیر در مسئولیت مدنی و عدالت، فصلنامه معرفت حقوقی، (۹۶-۹۵).
۱۷. شهری، غ، (۱۳۷۱)، نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه، نظریه شماره ۷/۷۵۲۷.
۱۸. شیروانی، ع، غرویان، م، (۱۳۸۳)، ترجمه اصول استنباط، دارالفکر، قم.
۱۹. صفایی، ح، (۱۳۸۸)، مسئولیت مدنی در فرض علم اجمالی به سبب (مطالعه تطبیقی)، فصلنامه پژوهش حقوقی، (۴۶-۲۹).
۲۰. صفایی، س. قاسم‌زاد، م، (۱۳۸۲)، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، انتشارات سمت، تهران.
۲۱. صفری، م، (۱۳۷۹)، مسئولیت مدنی سبب مجمل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران.
۲۲. قاسم‌زاده، م، (۱۳۸۵)، مبانی مسئولیت مدنی، نشر میزان، تهران.
۲۳. قلی‌زاده، ا، (۱۳۷۹)، واژه‌شناسی اصطلاحات اصول فقه، نور الاصفیاء، تهران.
۲۴. قمی، م، (۱۳۷۸)، قوانین الاصول، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران.
۲۵. کاتوزیان، ن، (۱۳۸۵)، اثبات و دلیل اثبات، میزان، تهران.
۲۶. کاظمی، م، (۱۳۷۷)، آثار رضایت زیان بر مسئولیت مدنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۷. کریمی، ح، (۱۳۶۵)، موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی (ره)، شکوری، قم.
۲۸. لنکرانی، ف، (۱۳۷۷)، سیری کامل در اصول فقه، انتشارات اسلامی وابسته به جامع مدرسین، قم.
۲۹. محسنی، ح، مرادی نژاد، ر، (۱۳۹۰)، مطالعه تطبیقی جبران زیان ناشی از سبب مجمل و ناشناس در مسئولیت مدنی، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی، (۲۹۷-۳۱۶).
۳۰. محمدی، ا، (۱۳۹۰)، قواعد فقه، نشر میزان، تهران.
۳۱. مرعشی نجفی، ش، (۱۴۱۵)، قصاص علی الضوء القرآن و السنه، نشر کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم.
۳۲. مرعشی، م، (۱۳۶۵)، شرح قانون حدود و قصاص، وزارت ارشاد اسلامی، تهران.
۳۳. مشکینی، م، (۱۴۱۳)، کفایه الاصول محشی، انتشارات لقمان، قم.
۳۴. مکارم شیرازی، ن، (۱۳۷۰)، قواعد فقه، مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب (ع)، قم.
۳۵. موسوی الخویی، ا، (۱۳۱۴)، مصباح الاصول، مکتبه الداوری، قم.

۳۶. موسوی خمینی، ر، (۱۳۷۹)، تحریر الوسی له، دارالکتب العلمیه، قم.
۳۷. میر محمدصادقی، ح، (۱۳۹۲)، جرائم علیه اشخاص، نشر میزان، تهران.

منابع انگلیسی

38. Calnan, A. (2009). *Duty and integrity in tort law*. North Carolina: Carolina Academic Press.
39. Cooke, J. (2010). *Law of tort* (9th ed.). London: Longman.
40. Elliot, C. & Frances Q. (2009). *Tort law*. London: Longman.
41. Fairchild v. Glenhaven. (2009). *Funeral services*.
42. Knutsen, E. (2009). *Clarifying causation in tort*. Dalhousie Law.
43. Owen, R. (2000). *Essential tort law*. London: Routledge: Cavendish.
44. Stephenson, G. (2000). *Sourcebook on torts* (2nd ed.). London: Cavendish.